

## قلمرو حریم خصوصی اشخاص در اعمال صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی از منظر حقوق عمومی

رستم اروج زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

حریم خصوصی اشخاص و مقوله «امنیت» از مباحث بسیار مهم حقوق و آزادی های بشری به شمار می رود. فلذا برای این که این دو مهم محقق گردد رعایت قوانین و مقررات و حتی مسائل شرعی و فقهی الزامی است محتوا و ماهیت مقاله حاکی از تحلیل قلمرو حریم خصوصی اشخاص در اعمال صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیسی) از منظر حقوق عمومی می باشد و با تحلیل صلاحیت ماموران دولتی در نقض حریم خصوصی اشخاص، با سؤالات مهمی از قبیل؛ قلمرو صلاحیت مقامات مزبور در ورود به حریم خصوصی اشخاص از چه نوع صلاحیتی است؟ آیا مقام انتظامی و اطلاعاتی در بحث ضابطیت یک شأن محسوب می شود؟ یا از هم تفکیک شده اند؟ مواجهه شدیم و با استفاده از منابع و کتب حقوقی سعی کردیم ابهامات را مرتفع و با توصیف مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیسی) و با دو تا تحلیل مواجه شدیم و بیان کردیم که در بحث مقامات انتظامی و اطلاعاتی از یک منظر به تفکیک پذیری و از نگاه دیگری به مبحث عدم تفکیک پذیری آنان پرداختیم و نتیجه ای که از این تحلیل گرفته شد این بود که این دو مقام موصوف از هم تفکیک نشده اند (اصل عدم تفکیک) و در کنار هم با وظایف مشخص در چهار چوب قوانین و مقررات انجام وظیفه می نمایند بنابراین با توجه به ویژگی تکلیف گرایی و مسئولیت پذیری که مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیس) دارند، فلذا در جهت رسیدن به اهداف مقرر در قوانین تحت عنوان ضابطین دادگستری با توجه به اوضاع و احوال حاکم در جامعه در صورت اقتضاء شرایط با رعایت قوانین و مقررات و رعایت مجاورین و حقوق عمومی افراد جامعه از صلاحیت قانونی در ورود به حریم خصوصی اشخاص برخوردار می باشند و از این صلاحیت تحت عنوان «صلاحیت تکلیفی» می توان نام برد در پاره ای از اوقات برای تحقق رسالت سنگینی که بردوش دارند ناچاراً و به اجبار مجاز به ورود به حریم خصوصی اشخاص هستند و از این حیث از «صلاحیت اجباری» برخوردار هستند. با این توصیف نقض حریم خصوصی اشخاص تنها با اجازه موردی مقام قضایی و در مواردی که قوانین و مقررات اجازه این امور را پیش بینی کرده باشد امکان پذیر خواهد بود و در شرایط اضطراری به موجب قوانین و مقررات این مهم محقق می گردد. فلذا به تجویز قوانین و مقررات و به امر آمر قانونی امکان ورود به حریم خصوصی اشخاص از قبیل؛ محل سکونت، محل کسب و کار و.... در چار چوب قوانین موجه می باشد.

**واژگان کلیدی:** حریم خصوصی، حریم خصوصی اشخاص، صلاحیت، مقامات انتظامی و اطلاعاتی

### ۱. مقدمه

اصولاً به منظور پیشگیری از نقض حریم خصوصی اشخاص توسط مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیس) که در سمت ضابط دادگستری ایفای نقش می نمایند قوانین و مقرراتی از سوی قانونگذار وضع شده است. حریم خصوصی افراد جامعه به قدری اهمیت دارد که قانونگذار با هدف حفظ حقوق عمومی در قانون اساسی به آن پرداخته و به حقوق و آزادی های افراد توجه

شایانی نموده است. بطوریکه اصل نهم قانون اساسی بیان می کند: «هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادیهای مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.» با این وصف آزادی مردم و استقلال کشور و عدم تفکیک پذیری آنها در اصل مزبور پیش بینی شده است.

از طرف دیگر اصل ۲۲ قانون اساسی مقرر می دارد که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» و همچنین اصل بیست و پنجم از قانون مزبور اشار می دارد «بازرسی و نر ساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نر ساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.» در اصول مزبور از قانون اساسی و اعلامیه های جهانی حقوق بشر و در احکام و مقررات اسلامی و منابع فقهی نمونه های بارزی از قباحت و غیر شرعی و غیر قانونی بودن نقض حریم خصوصی اشخاص مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

برای نمونه آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نور می فرماید «ای اهل ایمان هرگز به خانه ای غیر از خانه خودتان وارد نشوید مگر آن که به اهل آن خانه انس گیرید و (چون رخصت یافتید داخل شوید)، به اهل آن خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است که متذکر شوید و اگر در خانه کسی را نیافتید وارد خانه نشوید، تا به شما اجازه داده شود و اگر گفتند برگردید، برگردید که این برای پاکي شما بهتر است و خدا به هر چه می کنید، داناست.» مع الوصف مصونیت خانه و مسکن در واقع متمم امنیت شخصی و آزادی مسکن است. مصونیت خانه و مسکن، بخشی از حریم خصوصی و آن وجه تمایز آزادی و توتالیتراریسم است. حریم شخصی یعنی آزادی عمل در حریم خانه و زندگی خصوصی، توتالیتراریسم است. حریم شخصی یعنی آزادی عمل فرد در حریم خانه و زندگی خصوصی، روابط، مکاتبات، مکالمات، و اسرار شخصی است. در این محدوده، فرد مصون از تعرض و تجسس و کنجکاوای ها و دخالت پلیسی است. از نظر تفکر آزاد منش حریم خصوصی لازمه تجدید قوا و احساس آرامش و تحقق بخشیدن به شخصیت انسان است که بدون آن فرد به جسمی بدون روح او مبدل می شود. امنیت شخصی نه تنها شامل جان و مال فرد بلکه شامل مسکن او نیز می باشد. خانه شخص مصون از تعرض است و بدون اجازه صاحب خانه نمی توان وارد منزل شد. یا آن را مورد بازرسی قرار داد و حتی ماموران دولتی نیز حق ندارند داخل خانه کسی شوند، مگر با اجازه مقامات قضایی و با رعایت تشریفات قانونی. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴: ۵۰-۵۱) فلذا آیه های ۲۷ و ۲۸ سوره نور که در بالا از آن یاد شد از مصادیق بارز مصونیت خانه و مسکن است. در واقع «امنیت» آن است که برای ما این امکان را فراهم می آورد که در زندگی داخلی خصوصی خود از استقلال کامل بهره مند شویم و اگر بنا شود خانه شخص، هر موقع مورد تعرض و مزاحمت قرار گیرد و یا خود سرانه تفتیش و بازرسی شود، دیگر امنیت خاطر، آزادی و آسایش فکری از انسان سلب می شود و استقلال فردی و به طور کلی امنیت شخصی، مفهوم خود را از دست می دهد.

با توجه به تحلیل بالا و اهمیت ارزش «حریم خصوصی» و خانه و مسکن و ارزش والای شخصیت انسانی نتیجه می گیریم که فرق بین رژیم لیبرال و توتالیتر در وجود همین استقلال و مصونیت و آزادی شخصی است؛ در رژیم توتالیتر فرق بین حریم خصوصی و حریم عمومی و دولتی وجود ندارد. (همان، ۱۳۹۴: ۵۱) حال آنچه قابل تأمل است وقوع حوادث غیر مترقبه و یا

۱. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ \* فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ .

اعلام حالت اضطراری مطابق ماده ۷۹ قانون اساسی از جانب دولت می باشد . در صورت مواجه با چنین شرایطی تکلیف مقامات انتظامی و اطلاعاتی ( مقامات پلیسی ) و سایر ماموران دولتی مسئول، چیست ؟ برای پاسخ به این پرسش می توان گفت که در مواجه با چنین شرایطی و در صورت وقوع حوادث غیر مترقبه نظیر آتش سوزی و سیل و غیره یا در خواست کمک از داخل خانه، ماموران صلاحیت دار می توانند با اجازه و یا بدون اجازه اشخاص از خانه در حدودی متعارف ، اقدام لازم را برای رفع خطر به عمل آورند و نوع استفاده از خانه در حدودی است که مخالف قانون یا اخلاق حسنه نبوده و یا از نظر ایمنی و بهداشت و سرو صدا و غیره موجب مزاحمت همسایگان نباشد . ( همان، ۱۳۹۴:۵۲) با این توصیف رعایت حریم خصوصی مجاورین نیز امری الزامی بوده در هر حال کلیه «مقامات انتظامی و اطلاعاتی» ( مقامات پلیسی ) و سایر ماموران دولتی مرتبط بایستی براساس موازین اسلامی و شرعی صورت گرفته اقدامات منجر به نقض حریم خصوصی خارج از قواعد و مقررات نگردد .

یکی از موضوعاتی که ممکن است توسط مقامات انتظامی و اطلاعاتی ( مقامات و ماموران پلیسی ) منجر به نقض حریم خصوصی اشخاص گردد، بحث مورد تعرض قرار گرفتن تمامیت جسمانی اشخاص می باشد . فلذا شکنجه و رفتار های بی رحمانه و غیر انسانی پدیده شومی است که انسانهایی در طول تاریخ همواره از آن رنج برده اند رفتار های ضد انسانی برخی حکومتها با شهروندان خود که اوج چنین فاجعه را می توان در رفتارهای نظامهای فاشیستی همچون نظام نازی هیتلری دید . مسأله ای بود که به شدت مورد توجه محافل حقوق بشری قرار گرفت همین خاطره تلخ بود که اسناد بین المللی را به سمت بکارگیری ادبیات و رویکردی مطلق گرایانه در منع شکنجه سوق داد . بنابراین شهروندان از ادعای موجه اخلاقی و حقوقی بر ضد دولتهای خود در خودداری او جلوگیری از هر گونه شکنجه اعم از جسمی ، روحی و فکری و مبارزه با آن برخوردارند . (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۸) تعهد دولتها در بحث حق منع شکنجه یا آزادی از شکنجه همانند سایر حق ها و آزادیهای مدنی جنبه ادعایی دارد . و تعهدی گسترده و همه جانبه است . این تعهد از یک سو دولتها را در رفتار با افراد محدود نموده و هر گونه تعرض شکنجه گرانه به آنها را منع می کند ، از سوی دیگر دولتها را مکلف می کند از وقوع چنین پدیده شومی با تمام قوا جلوگیری کند حتی چنان که اعمال شکنجه آمیز توسط اشخاص خارج از دستگاههای دولتی صورت گیرد . به عبارت دیگر نه تنها مسئول رفتار مأموران خود مسئول برخورد با شکنجه گران خارج از دستگاه های دولتی نیز هستند بنابراین منع شکنجه مفهوماً عبارت از تعهد دولتها در مقابله با شکنجه خواه توسط افراد و دستگاه های دولتی و خواه توسط اشخاص غیر دولتی می باشد . (همان، ۱۳۹۵: ۶۹) فلذا از تحلیل در می یابیم که تعرض بر تمامیت جسمانی اشخاص یکی از مصادیق نقض حریم خصوصی اشخاص به شمار می رود .

بند یکم ماده یک کنوانسیون منع شکنجه و افزون بردرد و رنج جسمانی درد و رنج روحی و ذهنی را نیز از مصایق شکنجه دانسته است . واضح است که برخی رفتارهای غیر انسانی حتی اگر درد و رنج شدید را در پی نداشته باشد درد و رنج روانی و ذهنی فوق العاده ای را به دنبال خواهد داشت با وجود این ، تحدید مفهوم شکنجه به اعمال صورت گرفته توسط مأموران دولتی و یا به دستور مأموران دولتی ، به نظر تحدیدی غیر موجه است . بر مبنای این تحلیل دولتها متعهدند که با موضوع شکنجه و صرف نظر از مقام وجایگاه و یا انتساب رسمی یا غیر رسمی فاعل آن به عنوان یکی از موارد نقض فاحش و غیر اخلاقی بنیادین انسان برخورد جدی نمایند ، در غیر اینصورت به مسئولیت حقوق بشری خود عمل نکرده اند . ( همان

۷۲:۱۳۹۵) در نمونه دیگری که ممکن است توسط مقامات انتظامی و اطلاعاتی منجر به نقض حریم خصوصی افراد گردد بحث تعرض به حق حیات اشخاص می باشد حق حیات در حالت‌های مختلفی ممکن است به مخاطره افتد یا مورد تعرض قرار گیرد. پیش بینی نکردن مقررات لازم در برخورد با کسانی که حق حیات دیگران را مورد تعرض قرار می دهند، خود نوعی نقض این حق بنیادین انسانی محسوب می شود. همچنین عدم حمایت حکومت از افرادی گروه های خاص و یا باز گذاشتن دست گروه ها و افراد خاص در تعرض به حیت دیگران، جلوه دیگر از نقض حق حیات است. بنابراین به تصریح میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها مکلف اند تمهیداتی را در جهت پایداری از حق حیات تمام شهروندان فراهم کنند. به ضمیمه اصل عدم تبعیض، دولت‌ها مکلف اند از حق حیات تمام شهروندان به صورت برابر و بدون کوچکترین تبعیض از حیث نژاد، رنگ، تابعیت، مذهب، جنسیت و سایر تعلقات عرض افراد پاسداری و حمایت کنند.

هرگونه تبعیض و نابرابری در مقررات و یا سیاست گذاری های کلان در جهت تبعیض بین شهروندان در پاسداری از حیات آنان، نقض حق بنیادین حیات به شمار می رود. همچنین بنا به نظر کمیته حقوق بشر، حق حیات، تفسیری موسع از حق دفاع ممکن است نقض شود اعطای اختیارات گسترده به پلیس در مبارزه با برخی جرائم، آنگونه که بتواند به بهانه دفاع مشروع حیات مظنونان را مورد مخاطره قرار دهد و بر مبنای قانون آن کشور اصل براین باشد که تمام اقدامات پلیس در این زمینه موجه و بی نیاز از پاسخگویی است. می تواند به نقض حیات دیگران منجر شود. (همان، ۵۱:۱۳۹۵) حال با توجه به تحلیل‌های یاد شده بالا نمی توان منکر حق حریم خصوصی اشخاص گردید و حق موصوف برای تمام جوامع بشری شناخته شده است فلذا با عنایت شناسایی چنین حقی صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی اشخاص از این حیث که آیا مقامات مزبور هر زمان که بخواهند می توانند حریم خصوصی اشخاص را نقض نمایند؟ قابل بحث و بررسی است. از این لحاظ که چگونه می توان از منظر حقوق عمومی صلاحیت اینگونه از مقامات را توصیف کرد؟ آیا حقوق عمومی صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی پرداخته و مباحثی در این راستا مطرح کرده است یا خیر؟ اگر مقامات مزبور از منظر حقوق عمومی از صلاحیت قانونی در ورود به «حریم خصوصی» افراد برخوردارند ماهیت آن به چه شکلی خواهد بود؟ صلاحیت مقامات مزبور از چه نوع صلاحیتی است؟ و سوالاتی از این قبیل؛ اینها مسائل مهمی است که بدون توجه و بررسی مفهومی و تحلیلی مباحث مربوط به حریم خصوصی و صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی در این راستا نمی توان به آنها دست یافت. در واقع تحقیق و پژوهش در این خصوص دروازه حل مسایل و مشکلات مباحث مزبور گشوده شده و گام به گام با تحلیل توصیف مباحث مبهم و مردد در این مقاله به آنها دسترسی خواهیم داشت.

## ۲. پیشینه تحقیق

در قلمرو حریم خصوصی اشخاص در دعاوی حقوقی اعم از جزایی و مدنی تحقیقاتی‌گوناگونی انجام یافته است، و لیکن در مورد اعمال صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی در تعدی به حریم خصوصی اشخاص از منظر حقوق عمومی پژوهش خاصی در میان تحلیل‌های حقوق عمومی دیده نمی شود. ارزش و اهمیت پژوهش مبانی و مسائل مرتبط به قلمرو حریم خصوصی اشخاص در اعمال صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی از منظر حقوق عمومی معطوف به ماهیت ورود مقامات مزبور به حریم خصوصی اشخاص می باشد که نتیجه آن نقض حریم خصوصی و تعدی و تجاوز به آن در دایره قوانین

۱-Nowak, m. (1993). uncovenant on civil and political Rights, CCPR Commentary, p.106

و مقررات است. علاوه بر آن قانونگذار به قدری به حریم خصوص اشخاص ارزش و اهمیت قایل است که خارج از چارچوب قوانین نمی توان حریم خصوص اشخاص را نقض کرد. در این مقاله سعی شده است ضمن تحلیل موضوعات مرتبط در این خصوص با رویکرد تحلیلی-توصیفی عمده ترین و مهمترین مسائل و چالشهای پیرامون آن نیز از منظر حقوق عمومی تحلیل و بررسی قرار گیرد.

### ۳. مبانی حریم خصوصی

حقوقدانان و قضات همواره هنگام مواجهه با حریم خصوصی و تعیین قلمرو آن ازدشواری ارائه تعریف اقتناعی شکایت نموده اند. ایشان دلیل سختی تعریف و قلمرو حریم را به طرق مختلف توجیه نموده اند: آرتور میلر، حریم خصوصی را مفهوم بسیار مبهم دانسته، ویلیام بینی معتقد است مشکلات جدی در تعریف و قلمرو این حق وجود دارد و تام گرتی حقوقدان و فیلسوف آمریکایی برای آن خصیصه تغییرپذیری قائل است. (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۲ به نقل از Solve, 2002, vol. 90:1088) در منابع مختلف حقوقی تعریفی خاص از «حریم خصوصی» درج نگردیده است عبارت حریم را معمولاً برای املاک و اراضی و راه و... بکاربرده اند. از دیدگاه بسیاری از اندیشمندان تعریف حریم خصوصی مقوله ای بسیار مشکل و ابهام بر انگیز است.

اندیشمندانی چون ویلیام بی نی، تام گرتی، آرتور میلر، دنیل سولر و دیگران در آثار خود به این مهم اشاره کردند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۲) بی نی مشکلات حریم خصوصی را از جهت تعریف به ذات و قلمرو آن مربوط می سازد. میلر دشواری تعریف را در ابهام و شکنندگی آن می داند و از منظر گرتی مفهوم حریم خصوصی یک مفهومی متغیر می باشد آنچه در این مقوله مهم به نظر می رسد اینست که مردم در پناه حکومت و قوانین و مقررات و قلمرو صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی (پلیس) در نقض حریم خصوصی زندگی مستقل از یکدیگر داشته و آسودگی ذهن و آرامش فیزیکی داشته باشند. دنیل سولو در کتاب خود تحت عنوان «فهم حریم خصوصی» بر این عقیده باور دارد که هیچ کس نمی تواند معنی حریم خصوصی را به صورت شمرده بیان دارد زیرا که مفهومی سیال و متغیر است (سولو، ۲۰۰۸: ۱). حریم خصوصی یک مفهوم هم پوشان، حوزه های مختلف مجزایی از مطالعه و موقعیت های رویه ای رادر برمی گیرد. حریم خصوصی شامل؛ موقعیت فیزیکی افراد (محل سکونت و کار)، اطلاعات و داده های بانکی نسخ دارو و پزشکی افراد، تمامیت جسمانی اشخاص و... می باشد. برای نمونه در تحقیقات مختلف از جمله تحقیقات پزشکی نیز کمیته های اخلاق پزشکی بر حفظ اطلاعات و محرمانه ماندن اطلاعات شرکت کنندگان در تحقیق تأکید و نظارت دارند. چنین محدودیت هائی در حفظ اطلاعات بیماران، کدگذاری اطلاعات به جای استفاده از مشخصات فردی را در پروسه جمع آوری اطلاعات توجیه پذیر می کند. بی نام کردن در مورد بسیاری از موضوعات اجتماعی و تحقیقات پزشکی مورد توجه است. در تحقیقات پزشکی جمع آوری شده از بیماران به مواردی مربوط می شود که بیماران تمایل به حفظ آنها دارند، مثل نمونه های خون و ادرار و یا بررسی های ژنتیکی، و محققان با استفاده از شیوه بی نام کردن اطلاعات می توانند در این خصوص به بیماران اطمینان خاطر دهند.

در شرایطی که نتایج حاصل از تحقیقات انتشار می یابد توجه به حفظ راز بیمار در هنگام سخنرانی ها و در انتشار و آرشیو کردن مقالات علمی و نوشته های شخصی ضروری است. سؤالی که مطرح است این است که آیا در مواردی که تنها آنالیز آماری بر روی اطلاعات موجود انجام می گیرد هم مفهوم حریم خصوصی قابل توجه است؟ به نظر می رسد افراد حتی در

شرایطی که مشخصاتشان برای محقق ناشناخته است هم نسبت به استفاده از اطلاعات پزشکی خود حساسیت دارند. (نیوکامب ، ۱۹۹۴ : ۲۹۱ - ۲۸۷ ) اجتماعيون بر حوزه های خاصی از مفهوم حریم خصوصی که در طول زمان دچار تغییر شده اند و تأکید دارند. بالفرض ، رابرت ایسمیت<sup>۱</sup> بر این عقیده است که حریم خصوصی فضای فیزیکی ما را به دور هرگونه گسست ، مداخله خودسرانه ، حیا یا پاسخگویی خواهان است و سعی در جلوگیری از فاش شدن اطلاعات شخصی مربوط به افراد دارد. با وجود درک متفاوت از این مفهوم وجه اشتراک آنان در « فرد انسانی » می توان یافت و در مفهوم موسع حریم خصوصی مشمول بر حوزه های پنجگانه ذیل است و این حوزه های پنجگانه عبارتست از « حوزه تصمیم ، محیط فیزیکی ، قصد ، اطلاعاتی و ارتباط ».

- حوزه تصمیم : منظور از حریم خصوصی در حوزه تصمیم موضوعات مرتبط با صلاحیت شخصی نظیر تصمیم گیری در حوزه زندگی شخصی و بدنی و مسائل شخصی مرتبط با خانواده را می توان تبیین نمود .

- حوزه محیط فیزیکی: نظیر ؛خانه، اتاق خواب و... در این حوزه از جمله مسائلی که مورد توجه است اینست که چه اشخاصی می توانند بر این حوزه ورود داشته باشند؟ آیا مقامات انتظامی و اطلاعاتی اجازه ورود بر این دسته از حوزه های خصوصی افراد را دارند یا خیر؟ خلاصه اینگونه مسائل از جمله مسائلی است که این حوزه بر روی آن متمرکز است .

- حوزه قصد : در این قسمت می توان گفت که حریم خصوصی با فعالیتهای محرمانه و یا منشی نهادین افراد که به طور عموم قابل رویت نیستند توأم است و معمولاً به توانایی افراد در ایجاد موانع برای دسترسی به ارتباطشان در حال و آینده مرتبط می گردد .

- حوزه اطلاعاتی : این بخش از حریم خصوصی افراد در مورد بکارگیری اطلاعات مورد بحث و بررسی قرار می گیرد فلذا توانایی افراد در ماهیت بکارگیری اطاعات خویش برای چه کسی و یا چه اهدافی و پاسخگویی آن ها در ارتباط با دیگر اشخاص از موضوعات مربوط به این حوزه از مفاهیم حریم خصوصی را شامل می شود . به علاوه استفاده روزافزون از کامپیوتر و تکنولوژی های الکترونیکی نیاز به توجه به حفظ این اطلاعات را افزایش می دهد. برخی از محققین بر این عقیده اند که با افزایش ضریب امنیت حفاظت از اطلاعات می توان این موضوع را جایگزین رضایت آگاهانه کرد و با کدگذاری اطلاعات نیاز به رضایت سوژه را کاهش داد. اما در مقابل اکثریت با این امر مخالف اند چراکه حتی افزایش ضریب حفاظت از اطلاعات به نهایت هم نمی تواند جایگزین رضایت آگاهانه سوژه گردد(آرناسون ، ۱ ، ۲۰۰۴ : ۴۹ - ۲۷).

- حوزه ارتباط : این حوزه از حریم خصوصی افراد به «حق اشخاص در امنیت و محرمانه باقی ماندن محتوای کلیه اشکال مرسولات و مخابراتی و اطلاعات مرتبط در این خصوص» که به ایشان تعلق داشته است مورد بررسی قرار می گیرد (اصلانی، ۱۳۸۹: ۲۸) از جمله مسائلی که در مورد آن نسبت مطرح می شود مفهوم حریم خصوصی است چرا؟ چون با مباحثی از قبیل فرهنگ ، اقتصاد ، حکومت حاکم بر کشور ارتباط دارد و منظور از حکومت در این راستا نوع رژیم سیاسی حاکم بر کشور است فلذا می توان گفت که حریم خصوصی امری نسبی است مفهوم آن از یک کشوری به کشور دیگر ممکن است تفاوت داشته باشد (رحمدل ، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

<sup>۱</sup>- Robert ismeat

از منظر تاریخی پیدایش حریم خصوصی به قرن ۱۹ میلادی مربوط است در سال ۱۹۸۰ ساموئل دی وران و لوئیس دی براندیز در اثر خود تحت عنوان « حق بر حریم خصوصی » حق مزبور را در حقوق کامن لا یکی از اسباب مؤثر و ضروری زندگی انسان تلقی کردند . بطوریکه پیش از انتشار این موضوع هیچ یک از محاکم آمریکایی این مقوله را به صورت صریح به عنوان یک حق قانونی مطرح نکرده بودند . و لیکن پس از آن دادگاه های آمریکایی در سطوح و حوزه های مختلف این حق را مورد پذیرش قرار دادند.

در نیمه اول قرن ۲۰ محققین آمریکایی برای اولین بار «حریم خصوصی فیزیکی» را مطرح کردند. و اما در نیمه دوم قرن مزبور مفهوم دیگری از حریم خصوصی به عنوان « حریم خصوصی اطلاعات » مورد کنکاش واقع شد . حریم خصوصی در سراسر گیتی در رژیم و فرهنگهای مختلف مورد شناسایی قرار گرفته است . از منظر منابع بین المللی حقوق بشری و اسناد جهانی و منطقه ای بر این حق مستقل حقوق بشری صحه گذاشته اند چراکه ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مواد ۱۰ و ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ، ماده ۸ کنواسیون اروپایی حقوق بشر ، ماده ۷ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا و ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر از نمونه های آن هستند (عباسی ، ۱۳۹۰:۱۰۹) قرآن کریم به عنوان دستور زندگی تمامی ابناء بشر، در آیات مختلف به حرمت حریم خصوصی افراد و حفظ حقوق شهروندی آنان تأکید کرده و آیات مرتبط، نشانگر توجه خداوند متعال و دین مبین اسلام به حریم و حقوق خصوصی شهروندان است. به عنوان مثال خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات می فرماید: «ای اهل ایمان! از ظن و گمان درباره یکدیگر بسیار بپرهیزید که برخی ظن ها و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و غیبت دیگران را روا مدارید آیا شما دوست دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید» در آیه فوق حتی تجاوز به حریم خصوصی دیگران در حد گمان و ظن نیز مذموم شناخته شده است و این آیه، نماد بارزی از لزوم حفظ حریم خصوصی در اسلام است. و اخیراً هم بسیاری از کشورها این مفهوم را در قوانین اساسی خویش مطرح کردند و در دیگر کشور هایی که این حق در قوانین اساسی آنان رسمیت نیافته است ، حمایت از آن به عنوان یک حق پایه ای توسط دادگاه ها مورد قبول قرار گرفته است .

فلذا برای تعریف جامعی از حریم خصوصی با مقوله هایی از جمله ؛ شناسایی نگرانی ها و مصلحت های حریم خصوصی ، مدنظر قرار گرفتن اصول اساسی که قلمرو کلی از حریم خصوصی را تبیین می نماید ، یکپارچه سازی فناوریهای که عامل افزایش حریم خصوصی هستند و قبول آن، توجه داشت . وقتی سخن از حریم خصوصی اشخاص گفته می شود نتیجه به یک تقسیم بندی بشرح ذیل منتج می گردد و آن عبارتست از:

### **الف – حریم خصوصی اشخاص حقیقی ب – حریم خصوصی اشخاص حقوقی**

حال با توجه به این تقسیم بندی برای روشن شدن موضوع نسبت به بررسی هر چند به اجمال هر یک از آنها می پردازیم :

#### **الف – حریم خصوصی اشخاص حقیقی:**

برای تمایز و تفکیک اشخاص حقیقی از همدیگر لازم است که یک نام و نام خانوادگی انتخاب نمایند فلذا عدم وجود چنین مشخصه ای که بتوان اشخاص را از همدیگر تفکیک نمود، موجب عدم وصول حق به دارنده واقعی و نیز عدم انجام تعهد

---

۱- Physical privacy

۲- Privacy Information

بوسیله متعهد می شود در نتیجه نظم اجتماعی مختل می شود بنابراین هر شخصی لازم است مشخصات ثابت داشته باشد تا از دیگران متمایز گردد. (باریکو، ۱۳۸۷: ۱۲۳) با این توصیف برای اینکه حریم خصوصی اشخاص حقیقی از هم متمایز گردد وجود مشخصه ثابت برای هر شخصی لازم و ضروری است چرا که بدون آن در راستای نظم و امنیت توسط مقامات انتظامی و اطلاعاتی به نمایندگی از دولت حاکم گام برداشت. به دلیل متعددی رعایت حریم خصوصی اشخاص مورد تأکید قرار گرفته است به اجمال به مواردی در ذیل به آنها اشاره می کنیم فلذا از نگرش دلیل عقلی می توان گفت که رعایت حریم خصوصی دیگران از جمله اموری است که علاوه بر نقل، از طریق عقل نیز واجب است. عقل انسان مستقل از دستورات شرعی، می تواند پاره ای مسائل را درک نماید. لذا به عنوان حجت قابل استناد می باشد. (ربانی گلپایگان، ۱۳۸۲: ۳۵۰) و همچنین می توان چنین ادعا کرد که عقل، تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و افشای اطلاعات و عیوب آن ها را ظلم و قبیح میداند. به استناد قاعده ملازمه هر آنچه را که عقل ظلم و قبیح میداند شرع نیز آن را قبیح و حرام می شمارد. بنابراین شرع تجاوز به حریم خصوصی اشخاص و افشای اطلاعات و عیوب آن ها را قبیح و حرام می شمارد. مرحوم شیخ انصاری در این زمینه مینویسد: «چگونه ممکن است عقلاً و شرعاً آنچه از میان رفتن ارزش مؤمن و از چشم مردم افتادن او می شود، اشکالی نداشته باشد» (انصاری، ۱۴۲۸ هـ، ج ۱: ۳۴۵) بدون تردید عقلاً و نقلاً، پخش و افشای آنچه که سبب خواری مؤمنان و از دست رفتن حیثیت اجتماعی ایشان میشود حرام است.

از بعد اجماع و بررسی های فقهی اینگونه می توان عنوان کرد که برخی فقیهان بر لزوم رعایت برخی مصادیق حریم خصوصی اجماع دارند چنانچه امام خمینی (ره) حرمت غیبت را فی الجمله اجماعی دانسته اند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ۳۱۳) همچنین با استقراء در آرای فقیهان در زمینه حرمت نظاره بر منازل، افشای اسرار و عیوب میتوان به اجماع آنان در وجوب رعایت برخی مصادیق حریم خصوصی فی الجمله اذعان نمود. بدون اذن و رضایت شخص نمی توان وارد حریم خصوصی افراد شد چراکه حریم خصوصی قلمروی از زندگی شخصی هر فرد است. در فقه امامیه و حقوق اسلامی احترام به حریم خصوصی افراد بصورت مؤکد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و همچنین در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به برخی از مصادیق حریم خصوصی اشاره شده است. با بررسی دلایل فقهی و قانونی به حرمت و ممنوعیت نقض حریم خصوصی پی می بریم در صورت تراحم مصلحت فردی با مصالح عمومی و با تشخیص حاکم و مجوز قانونی، مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیسی) و سایر ماموران دولتی در شرایط خاص می توانند با رعایت جوانب قانونی و شرعی تحت ضوابط به حریم خصوصی اشخاص حقیقی برای تحقق امر آمر قانونی ورود داشته باشند.

## **ب- حریم خصوصی اشخاص حقوقی**

برای درک بهتر از مفهوم حریم خصوصی اشخاص حقوقی لازم است در بدو امر بدانیم که خود شخص حقوقی به چه کسی اطلاق می شود فلذا برای تعریف شخص حقوقی می توان گفت که شخص حقوقی هنگامی پدید می آید که دسته ای از افراد دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره ای از اموال که به اهداف خاصی اختصاص داده شده اند در کنار هم قرار بگیرند و قانون آنها را طرف حق و تکلیف بشناسد و برای آنها شخصیت مستقلی قائل گردد مانند دولت، شهرداری، دانشگاه



تهران، شرکت‌های تجاری، انجمنها و موقوفات. بنابراین، می‌توان گفت شخص حقوقی مانند شخص طبیعی موجودی است که برای نیل به اهداف خاصی پدید می‌آید و می‌تواند طرف حق و تکلیف قرار گیرد. (صفایی، قاسم زاده، ۱۳۸۶: ۱۴۷) شخص حقوقی به شخصی اطلاق می‌شود که وجود خارجی نداشته ولی وجود آن به نوعی بوسیله عقلاء اعتبار شده و قانون نیز آن را به رسمیت شناخته و از آن حمایت کرده است. (باریکلو، ۱۳۸۷: ۱۹)

فلذا اشخاص حقوقی از لحاظ فلسفه وجودی و اهداف آن بردونوع، عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود: شخص حقوقی حقوق عمومی یا دولتی عبارتست از شخصی است که جهت ارائه خدمات بخش دولتی یا عموم مردم تأسیس و مدیریت اموال و امور آن به دولت متعلق می‌باشد. زمان پیدایش این گونه اشخاص وقتی است که مقامات مؤسس آن تصمیم به تأسیس و ایجاد آن می‌نمایند. در ماده ۵۸۷ ق. ت. در این باره مقرر شده است: «مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.» در نتیجه، اشخاص حقوقی وابسته به دولت و یا سازمانهای عمومی به محض ایجاد، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند. اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، عبارت از اشخاصی است که در خدمت بخش خصوصی می‌باشد و جهت تأمین منافع مؤسسين و اهداف آنها فعالیت می‌نمایند. این نوع شرکت یا شخص خودبه‌دو نوع تجاری و غیر تجاری، تقسیم می‌شود. اشخاص حقوقی بخش خصوصی غیر تجاری زمانی دارای شخصیت می‌شوند که در اداره ثبت شرکت‌های سازمان ثبت اسناد ثبت گردند. (همان، ۱۳۸۷: ۹۲) با توجه به وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی همانطوریکه از بعد عقلی و نقلی و از جهت قانونی به اشخاص حقیقی (طبیعی) حریم خصوصی تعریف شده است در قوانین و مقررات بی‌تردید برای اشخاص حقوقی نیز حریم خصوصی پیش‌بینی گردیده و بدون مجوز قانونی مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات و ماموران پلیسی) در پاره‌ای موارد اجازه ورود به حریم خصوصی اشخاص حقوقی را ندارند برای تحقق این امر اذن مقام صالح ضروری به نظر می‌رسد برای مثال ورود مقامات مزبور با لباس یونیفرم به محیط‌های دانشگاهی، تحت ضوابط و شرایط خاص ممنوع اعلام شده است برای ورود به مراکز مزبور لازم است از قبل هماهنگی انجام شده باشد. و یا برای توقیف اموال اشخاص حقوقی مانند شرکت تجاری مستلزم مجوز قضایی است و یا جلب و دستگیری افراد در محیط اداری و دولتی نیازمند هماهنگی با مقامات ذیصلاح قضایی و قانونی است.

### ۱-۳. وضعیت حریم خصوصی در حقوق کشور مان ایران

همانطوریکه که در مقدمه مقاله اشاره شد، قانون اساسی جمهوری اسلامی کشورمان به موجب اصل ۲۲ حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از هر گونه تعرض مصون اعلام کرده فلذا یکی از حق‌های مصون از تعرض، همان «حق حریم خصوصی» است. همچنین اصل بیست و پنجم از قانون مزبور ممنوعیت بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکسی، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه «تجسس» را بیان کرده است که پس از هویدا شدن مفهوم «تجسس» مصادیقی از نقض حریم خصوصی را می‌توان «تجسس» عنوان کرد. همچنین در پاره‌ای از مواد قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه شناسایی حریم خصوصی بیان شده است. قانون اساسی در اصل ۲۰ مقرر کرده که همه افراد ملت در حمایت یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند. که اینها نمونه‌هایی از ارزش و اهمیت حریم خصوصی در قانون اساسی کشورمان می‌باشد. فلذا در محتوای قانون اساسی و قوانین عادی می‌توان مسائل مرتبط با حریم خصوصی را یافت؛ در قانون مسئولیت مدنی نیز در خصوص حریم خصوصی مواردی بیان شده که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ماده یک قانون مسئولیت مدنی می‌گوید هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا شهرت تجارته یا به هر حق دیگر به موجب قانون برای افراد ایجاد شده لطمه‌ای وارد کند که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.

۲. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی نیز می‌گوید کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب کند، دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل: الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن کند. حمایت از حریم خصوصی در پاره‌ای از مواد قانون مجازات اسلامی تصریح گردیده است. بنابراین، حمایت از حریم خصوصی از جمله قواعد حقوقی پذیرفته شده در حقوق ایران است. اما شناسایی حقوقی مصادیق گوناگون حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده نیازمند گذر بخشی آن از آموزه‌های اخلاقی به الزامات حقوقی است که باید با دقت و ظرافت متناسب با نهاد خانواده و استواری آن صورت پذیرد.

### ۲-۳. مصادیق حریم خصوصی

برای اینکه بتوان ابهامات در مورد حریم خصوصی برطرف شود بایستی مصادیق آن در شناسایی و تبیین نمود فلذا یکی از مهم‌ترین مسائل در زمینه حریم خصوصی، بحث از مصادیق آن است. نویسندگان حریم خصوصی در شمارش مصادیق آن اتفاق نظر ندارند. برخی نویسندگان مصادیق حریم خصوصی را در چهار عنوان شمارش نموده‌اند: ۱- حریم خصوصی اطلاعاتی ۲- حریم خصوصی ارتباطی ۳- حریم خصوصی جسمانی ۴- حریم خصوصی منازل و اماکن (اصلائی، ۱۳۸۴: ۴۴) و بعضی دیگر در شش عنوان معرفی نموده‌اند: ۱- حریم منزل و خلوت افراد ۲- حریم جسمانی افراد ۳- حریم خصوصی متقاضیان کار و کارکنان ۴- حریم خصوصی در فعالیتهای رسانه‌ای ۵- حریم خصوصی اطلاعات شخصی ۶- حریم خصوصی ارتباطات خصوصی (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۵۵) طرح حمایت از حریم خصوصی نیز مصادیق این حق را به شرح ذیل تقسیم بندی نموده است: الف حریم خصوصی منازل و اماکن خصوصی. ب حریم خصوصی جسمانی. ج حریم خصوصی محل کار. د حریم خصوصی اطلاعات. ه حریم خصوصی اطلاعات شخصی. و حریم خصوصی ارتباطات. برای ورود به هر یک از مصادیق مذکور توسط مقامات انتظامی و اطلاعاتی علاوه بر برخورداری از صلاحیت‌های قانونی بایستی مجوز قانونی از مراجع صلاحیت دار نیاز است که برای روشن شدن موضوع در مباحث بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

### ۳-۳. ملاک جواز در ورود به حریم خصوصی:

شناسایی حریم خصوصی نباید این توهم را ایجاد کند که به هیچ وجه نمی‌توان به حریم خصوصی وارد شد. در حقوق موضوعه تشخیص موارد مداخله و ورود به حریم خصوصی به عهده مقام قضایی سپرده شده است؛ چنان که ماده ۹۶ آیین دادرسی کیفری با التفات به این اصل هر گونه تفتیش و بازرسی از منازل و ظن قوی به کشف متهم یا اسباب یا « اماکن را در صورتی جایز دانسته است که وجود داشته باشد. در فقه امامیه نیز علیرغم اهمیت حکم « آلات و دلایل جرم حرمت غیبت، در برخی موارد ورود به حریم خصوصی شخصیت با غیبت جایز و ملاک دانسته شده است. شیخ انصاری در زمینه ملاک جواز غیبت مینویسد ضابطه در تشخیص جواز غیبت، وجود مصلحت برتر از مفسده هتک حرمت مؤمن است و تشخیص این مصلحت و مفسده در موارد مختلف، متفاوت است (انصاری، ۱۴۲۸ ه: ۳۰۶) شیخ انصاری جرح شهود، دفع ضرر از مغتاب و از بین بردن ماده

فساد را از جمله موارد جواز غیبت میدانند (انصاری، ۱۴۲۸ ه: ۳۰۴) بدیهی است باید بین نحوه و مقدار مداخله و ورود در حریم خصوصی با مصلحت و ضرورت، تناسب وجود داشته باشد. در حریم خصوصی اعضای، خانواده نحوه و مقدار ورود باید با عنایت به اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده مانند اصل مدیریت، اصل عفاف، اصل تعلیم و تربیت و اصل معروف صورت پذیرد.

#### ۴. مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیسی)، قلمرو صلاحیت آنان در ورود به حریم خصوصی اشخاص

در این مبحث بایستی بدانیم که منظور از مقامات انتظامی و اطلاعاتی چه کسی است؟ منظور از مقامات انتظامی و اطلاعاتی در کشورمان کارکنان نیروی انتظامی یا به عبارتی دیگر مقامات پلیسی کشور می باشد. فلذا به موجب ماده ۳ از قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ هدف از تشکیل این نیرو، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهار چوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است. و براساس ماده ۴ از قانون موصوف تعداد بیست و شش مورد مأموریت و وظایف برای مقامات مزبور تعریف گردیده است. در اجرای برخی از این وظایف ممکن به سبب مصلحت عمومی و با توجه به اهمیت مقوله «امنیت» منتهی به نقض حریم خصوصی اشخاص گردد، اما آنچه مورد سؤال است اینست که آیا مقام انتظامی و اطلاعاتی در بحث ضابطیت یک شأن محسوب می شود؟ یا از هم تفکیک شده اند؟ برای رفع این شبهه تحلیلهای ذیل را می توان مطرح کرد:

تحلیل اول در خصوص عنوان تفکیک بین مقامات انتظامی و اطلاعاتی است که اگر بخواهیم بین این دو تفکیک قایل شویم بایستی گفت که منظور از مقامات انتظامی آندسته از کارکنان نیروی انتظامی (مقامات پلیس) می باشند که «ضابطان عام» محسوب می شوند و منظور از مقامات اطلاعاتی آندسته از کارکنان وزارت اطلاعات هستند که به موجب قوانین خاص «ضابطان خاص» محسوب می شوند. فلذا صرفنظر از سابقه تاریخی این وزارتخانه در تشریح آن می توان گفت که در سال ۱۳۶۲، مجلس شورای اسلامی با تصویب «قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران» وزارتخانه جدیدی را عهده دار وظایف خاص امنیتی قرار داد که هم در نوع وظایف و هم در نوع سازمان با قوانین گذشته متفاوتند. در این قانون سمت ضابط به کارکنان وزارت اطلاعات اعطا نشده است، بلکه در ماده ۴ آن تصریح شده است: «کلیه امور اجرایی امنیت داخلی برعهده ضابطین قوه قضائیه می باشد». (الهام، ۱۳۸۹: ۴۶) از ماده مزبور چنین اسنباط می گردد که وزارت اطلاعات ضابط قوه قضائیه تلقی نمی شود و وزارت اطلاعات توان انجام امور مربوط به ضابطین را ندارد و بر اساس نوع وظایفی که قانون موصوف در ماده ۱۰ برای وزارت اطلاعات تبیین کرده است، از وظایف اجرایی و تحقیقات مقدماتی قضایی به شمار نمی رود. ماده مزبور وظایف وزارت اطلاعات را چنین مقرر کرده است:

الف - کسب و جمع آوری اخبار و تولید، تجزیه، تحلیل و طبقه بندی اطلاعات مورد نیاز در ابعاد داخلی و خارجی؛

ب- کشف توطئه و فعالیتهای براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ج- حراست اخبار، اطلاعات، اسناد، مدارک، تأسیسات و پرسنل وزارتخانه؛

د- آموزش و کمک های لازم به ارگان و نهادها جهت حفاظت از مدارک، اسناد و اشیاء مهم آنها؛

ه- ارائه خدمات اطلاعات ضروری با سازمانها و ارگانها و آگاه ساختن به موقع آنها نسبت به توطئه ها ؛

و- همکاری و تبادل اطلاعات و تجارب اطلاعات با کشورهایی که حائز صلاحیت لازم باشند .

با توجه به رویکرد خوداری از تمرکز قدرت و با پذیرش ضرورت وجود یک سازمان اطلاعاتی در کشور دو کار مهم در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که با رژیم گذشته متفاوت بوده و به دلیل پیشگیری از مفاسد آن بوده است : اول اینکه ، سازمان موصوف را به وزارتخانه تغییر داد تا تحت کنترل و نظارت پارلمان قرار گیرد و رئیس آن با رأی اعتماد پارلمان منتخب شود و در برابر آن مسئولیت داشته باشد . دوم آنکه تفکیک امر اطلاعات و امنیت انجام شد. درحالی که در گذشته چنانچه از عنوان سازمان برمی آمد «اطلاعات و امنیت» در یک سازمان متمرکز بود . با اینکه این دومهم از هم غیر قابل تفکیک اند و در عمل وزارتخانه ناچار است در امور اجرایی قضایی به مانند ضابط تحت نظارت قوه قضائیه باشد . فلذا می طلبد که نواقص قانونی در این راستا برطرف گردد .

خلاصه اینکه جمع آوری اخبار و تولید و تجزیه و تحلیل اطلاعات و کشف توطئه و فعالیتهای براندازی ، جاسوسی و ... نمی تواند منفصل از کارهای اجرایی و قضایی قابل تحقق باشد و نظریه قانونگذار در تفکیک کامل امور اطلاعات به دشواری قابل تحقق است . این امور اجرایی ، ناگزیر کارکنان سازمان رادر مظان ارتکاب جرایمی قرار می دهد که پیگیری آن جرایم با مشکلاتی نظیر رسیدگی به جرایم در سازمان های نظامی مواجه است . پس از تأسیس وزارت اطلاعات وزیر وقت اطلاعات در سال ۱۳۶۶ مشکل را با رهبر فقید انقلاب امام خمینی(ره) طی پیشنهادی مطرح و امام (ره) در پاسخ آن مرقوم فرمودند « بسمه تعالی در صورت ضرورت و با موافقت رئیس دیوان عالی کشور موافقت می شود .» (همان، ۱۳۸۹: ۴۸) حال با توجه به شرح وظایف مقرره چنین می توان عنوان کرد که منظور از عناصر اطلاعات در کنار مقامات انتظامی و اطلاعاتی کارکنان وزارت اطلاعات نمی باشند، بلکه کارکنانی هستند که برابر وظایف خاص در کشور انجام وظیفه می نمایند و قلمرو صلاحیت آنان در نقض حریم خصوصی اشخاص تحت شرایط خاص می باشد. فلذا به موجب بند «ب» از ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ مأموران وزارت اطلاعات به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می شوند که در شرایط خاص در مواجه با مواردی از قبیل جاسوسی ، براندازی ، ترور و.... در چهارچوب قوانین و مقررات از صلاحیت لازم جهت ورود به حریم خصوصی اشخاص برخوردار هستند .

تحلیل دوم در راستای عدم تفکیک پذیری مقامات انتظامی و اطلاعاتی است و منظور ما در این بحث، تفکیک ناپذیری مقامات انتظامی و اطلاعاتی(اصل عدم تفکیک) از همدیگر می باشند و منظور از مقامات اطلاعاتی کارکنان پلیس اطلاعات نیروی انتظامی است که در کنار مقامات انتظامی کار اطلاعاتی را انجام می دهند چراکه بر اساس ساختار سازمانی در کنار مقامات انتظامی یک چارت سازمانی نیز برای عوامل اطلاعاتی تعریف گردیده است که براساس قانون آیین دادرسی کیفری منظور از مقام انتظامی و اطلاعاتی همان کارکنان نیروی انتظامی که کارت ضابطیت دارند و تحت عنوان «ضابطین عام» به منظور تامین و نظم و امنیت انجام وظیفه می نمایند .

در کنار این دو مقامات موصوف مقامات «حفاظت اطلاعات» در سازمانی تحت عنوان «سازمان حفاظت اطلاعات» تعریف گردیده تحت ضوابط و مقررات به تکالیف و وظایف محوله را در چهارچوب قوانین مقررات انجام وظیفه می نمایند با توجه اینکه مباحث مربوط به تکالیف محوله به سازمان مزبور طبقه بندی شده است فلذا امکان توضیح بیشتر از این نمی توان داشت

و فقط به این موضوع بسنده می‌گردد که مقامات مزبور فقط در موارد خاص و به منظور پیشگیری از هر گونه شکست حفاظتی به عنوان «ضابطان خاص نظامی» وارد عمل می‌شوند. حال با توجه به موارد بالا این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد. صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی از چه نوع صلاحیتی است؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا لازم است نسبت به تحلیل «صلاحیت» اقدام نمود فلذا می‌توان گفت که «صلاحیت» عبارتست از مجموعه اختیارات و وظایف اعطایی و تحمیلی به یک نهاد، اداره یا مأمور برای انجام مأموریت خود. از این رو می‌توان گفت صلاحیت تعیین کننده قلمرو سلطه، امکان تصمیم‌گیری و میزان و چگونگی کنشگری اداره و مأموران عمومی است. از این منظر و در سطح کلان، هنگامی که از تبیین و تمایز صلاحیت‌ها سخن می‌گوییم، به نوعی به مسأله تفکیک قوا هم اشاره می‌کنیم، زیرا برداشت ماهوی از تفکیک قوا مبین تفکیک کارکردها و وظایف است. پس تفکیک صلاحیت‌ها را می‌توان بیانگر نوعی تقسیم کار و تبیین وظایف و اختیارات در راستای ارتقای کارآمدی و صیانت از انسجام و انضباط اداری و سازمانی دانست. پرسش این است که از منظر حقوقی صلاحیت دارای چه ماهیتی است؟ آیا صلاحیت را باید نوعی حق، تکلیف، آزادی، اختیار یا اقتدار دانست؟ در پاسخ و با توجه به تعریف اولیه ارائه شده در فوق به نظر می‌رسد، صلاحیت به عنوان یکی از جلوه‌های اصل اقتدار دارای ابعاد چند گانه‌ای است. صلاحیت از یک سو، بیانگر الزام یک اداره یا مأمور عمومی به انجام یا عدم انجام کنشی خاص است و از دیگر سوی، مبین نوعی آزادی عمل و حق انتخاب آنها در انجام مأموریت‌های محوله است. با این رویکرد و در نگاه هوفلدی، می‌توان صلاحیت را واجد جنبه‌های چهار گانه حق دانست. یعنی، صلاحیت مفهومی است که می‌تواند به فراخور شرایط و موقعیت‌ها جنبه حق مطالبه، حق - آزادی، حق - قدرت، یا حق - مصونیت داشته باشد. (گرچی از اندریانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۱۱۷) برای اینکه موضوع مکتوم نماند باید گفت که در ادبیات حقوقی ایران، گاه فقط بریکی از جنبه‌های صلاحیت تاکید می‌شود و دیگر برای انجام پاره‌ای از امور، مانند صلاحیت داد گاه‌ها و صلاحیت مامور دولت در تنظیم سند رسمی می‌داند. پس مبرهن است که در تعریف موصوف فقط بر جنبه‌گزینشی صلاحیت تاکید شده است و جنبه‌های دیگر آن مغفول مانده است. آنچه که مهم است در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت مقام عمومی و اداری است، مگر آن قسم از صلاحیتی که به موجب قانون به وی اعطا شده است. و در نهایت گونه‌بندی مختلف از صلاحیت قابل ارائه است، اما از رایج‌ترین آنها می‌توان به صلاحیت مقید (تکلیفی، اجباری) و صلاحیت گزینشی<sup>۱</sup> (تخییری، صلاحیدیدی، تشخیصی) است. با توجه به اینکه صلاحیت مقید مرتبط با موضوع مقاله است فلذا از پرداختن به صلاحیت نوع دوم صرف نظر و به اجمال صلاحیت مقید را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم فلذا صلاحیت مقید (تکلیفی) را می‌توان نوعی صلاحیت محدود، متعین و غیر گزینشی دانست که اداره، مأمور، یا مقامات عمومی خارج از آن فاقد آزادی عمل و حق انتخاب می‌باشند. و به سخن دیگر، در این حالت شخص دارای صلاحیت باید الزاماً در جهت کمی و کیفی شخصی حرکت کند و به دنبال تحقق معنای معین و از پیش تعیین شده باشد. در صلاحیت مقید امکانی برای گزینش و تشخیص مبتنی بر ارزیابی شخصی مأمور وجود ندارد. صلاحیت مقید یا تکلیفی را می‌توان به صلاحیت مطلق و نسبی تقسیم کرد (همان، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۲۰) که مجالی برای توصیف آنها در این مبحث نیست. به اجمال می‌توان گفت که در صلاحیت مطلق هیچگونه حق انتخاب در مورد کمیت و کیفیت تصمیم برای شخص صالح وجود ندارد. ولی در صلاحیت نسبی مقام اداری از اختیار تشخیصی و قدرت ارزشیابی حداقلی برخوردار است. حال با عنایت به تحلیل بالا می‌توان گفت که از منظر حقوقی و براساس قوانین و مقررات صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیسی) در جهت ورود به حریم

۱- Alternative competence

خصوصی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی یک «صلاحیت تکلیفی» است و در برخی موارد به «صلاحیت اجباری» مبدل می شود یعنی اینکه این مقامات موصوف با استیذان و اجازه مقامات صالح و تحت انحصار و درچارچوب قوانین و مقررات می توانند به حریم خصوصی اشخاص ورود پیدا کرده و تکلیفی که براساس قوانین و مقررات به آن محول شده است را ایفا نمایند، چراکه تخطی مقامات موصوف از تکالیف مقرر در قوانین و مقررات از نگرش حقوقی قابل بازخواست کیفری و اداری است. پس بنابراین از آنجا که قوانین اجازه ورود به حریم خصوصی اشخاص را به مقامات مزبور تحت ضوابطی تکلیف کرده است فلذا نمی توان آزادی مطلق برای اشخاص قائل بود. بنابراین بهره مندی از حقوق و آزادی اشخاص منحصراً در دایره قوانین و مقررات بطوریکه موجب برهم زدن نظم عمومی نگردد امکان پذیر می باشد. با این توصیف در ورود به حریم خصوصی اشخاص در قلمرو صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی می توان یک نوع «صلاحیت تکلیفی» و در برخی موارد «صلاحیت اجباری» تبیین نمود. وقتی می گوئیم صلاحیت اجباری یعنی اینکه با توجه ترجیح مصحلت عمومی بر مصحلت شخصی مقامات انتظامی و اطلاعاتی در انجام ماموریت های محوله در پاره ای از موارد متوسل به اجبار می شوند یعنی جبر حکم می کند که اقدامات مامورین و مقامات انتظامی و اطلاعاتی در چهار چوب قوانین و مقررات منجر به نقض حریم خصوصی اشخاص شود. از این تحلیل می توان چنین استنتاج کرد که مفهوم اصل قانونی بودن دقیقاً همین است یعنی تصمیمات مقامات انتظامی و اطلاعاتی باید براساس قواعد حقوقی از پیش تعیین شده صورت گیرد. پس بنابراین می توان گفت که قلمرو اجرایی اصل قانونی بودن شامل اعمال مقامات انتظامی و اطلاعاتی به عنوان ماموران دولتی کارکنان سایر نهاد های دولتی می باشد و به لحاظ فرعی نیز اعمال اداری اشخاص غیر عمومی را نیز در بر می گیرد. لازم به ذکر است که این اصل شامل اقدامات و فعالیتهای افراد عمومی خارجی، یا اعمال نهاد ها و مقامات غیر اداری مانند مقامات پارلمانی (قانون، تصمیمات دبیرخانه مجالس و...) یا مقامات قضایی، نمی گردد.

## نتیجه گیری

با اندکی تأمل در موضوع که ما را به شکل گیری سازمانی رهنمون می نماید که به صورت شبانه روزی برای نیل به هدفی معین در تلاش است که با اعمال قوانین و مقررات از یک منظر از «حریم خصوصی» اشخاص پاسداری و از طرف دیگر بنا به اهمیت مقوله «امنیت و مصحلت اجتماعی» در راستای نقض حریم خصوصی گام بردارد فلذا به همین منظور مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیس) مستند به ماده ۳ قانون ناجا مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۴ با هدف استقرار «نظم و امنیت» و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چهار چوب قانون مزبور در قلمرو جمهوری اسلامی ایران

---

۱- Function qualification

۲- Forced competency

تشکیل یافته است. برای اینکه این رسالت مهم خطیر تحت عنوان «نظم و امنیت» در جامعه محقق گردد در این راستا تعیین چهار چوب و مقررات و حدود صلاحیت برای مجریان امر الزامی می باشد. فلذا به مبحث اصلی مبنی بر قلمرو حریم خصوصی اشخاص در اعمال صلاحیت مقامات انتظامی و اطلاعاتی پرداخته شد و چنین استنتاج و استنباط گردید که مقامات موصوف که از آنان تحت عنوان «مقامات پلیس» تعبیر می گردد با داشتن قدرت، به منظور حفظ امنیت داخلی و در مواقع اضطراری و بنا به مصلحت عمومی می توانند حریم خصوصی اشخاص را نقض نمایند و با فرض مقامات مزبور، به عنوان عنصر اقتدار و قدرت دولت این خود جنبه دموکراتیک دولت را با چالش مواجه می سازد. مسئله ای که در این تحلیل مطرح می شود فلسفه سود گرایی است؛ یعنی دولت با داشتن حق پیشگیری از جرم، نگاهی سود انگارانه به جامعه دارد که می تواند نوعی سوء استفاده از حق حاکمیت تعریف شود. (فریمن: ۱۳۸۷، ۹۳) در واقع مقامات انتظامی و اطلاعاتی (مقامات پلیسی) به بهانه حفظ امنیت نمی تواند از حق خود سوء استفاده کرده، و آزادی اشخاص را در خانه و مسکن که مصون از هرگونه تعرض است را سلب نموده و محدود نماید و در صدد تبدیل جامعه به یک جامعه امنیتی شوند. و از جانب دیگر اشخاص هم نباید با سوء استفاده از حریم خصوصی و ارزش و احترام و اهمیتی که قانونگذار بر آنان قائل است موجب اضرار برای جامعه باشند. خلاصه اینکه مقامات مزبور صرف نظر از صلاحیت ذاتی در انجام وظایف مصرحه در قوانین و مقررات داخلی، در نقص حریم خصوصی اشخاص از «صلاحیت تکلیفی» (مقید) و در برخی موارد از «صلاحیت اجباری» برخوردار هستند و که مبنای صلاحیت آنان را اجازه مقامات قضایی در چارچوب قوانین و مقررات تشکیل می دهد. ناگفته نماند که در مواقع اضطراری بدون اجازه مقام قضایی هم می توانند مأموریت محوله را تحت سیطره قوانین و مقررات به سرانجام برسانند.

## منابع

\* قرآن کریم

الف) فارسی

- اصلانی، حمید رضا (۱۳۸۹)، حقوق فناوری اطلاعات، بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.

- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، سمت، چاپ اول..

- انصاری، مرتضی، (۱۴۲۸ هـ) المکاسب، دارالکتب الاسلامیه.
- باریکلو، علیرضا، (۱۳۸۷) اشخاص و حمایت های حقوقی آنان، مجد، چاپ دوم.
- ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۲) ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، نشر مرکزمدیریت حوزه علمیه قم.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۴) حق انسان بر حریم خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، زمستان.
- صفایی، سید حسین، قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۶) حقوق مدنی اشخاص و محجورین، سمت، چاپ سیزدهم.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۴) آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادیهای بنیادین، نشر دادگستر، چاپ اول.
- غلامحسین، الهام (۱۳۸۹) حقوق جزای نظامی، دادگستر، چاپ اول.
- فریمن، مایکل، (۱۳۸۷) حقوق بشر، ترجمه محمد کیوانفر، هرمس، چاپ اول.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد (۱۳۹۵) حقوق بشر در جهان معاصر، شهر دانش، چاپ سوم
- گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۲) مبانی حقوق عمومی، جنگل و جادودانه، چاپ ششم.
- منصور، جهانگیر (۱۳۹۰) مجموعه قوانین و مقررات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، دیدار، چاپ یازدهم.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۱)، چهل حدیث مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ دوم.

ب) انگلیسی :

- Arnason, vilhjalmur. (2004). Coding and Consent: Moral Challenges of the database project in Iceland. Bioethics. 18. 27-49
- Newcombe, Howard B. (1994). Cohorts and Privacy. Cancer Causes and Control. 5(3)
- Nowak, m. (1993). uncovenant on civil and political Rights, CCPR Commentary, p.106
- Solve, Daniel J. (2002), Conceptualizing Privacy, California Law Review.
- www.biometrics.gov